

ظرفیت پنهان*

بوم‌شناسی تلاقی طبیعت و تاریخ در شهر



رسول رفعت، کارشناس ارشد
معماری منظر، دانشگاه تهران
rasoul.rafaat@gmail.com

چکیده: مکان‌گزینی سکونت و زندگی انسان شهری در شهرهای ایرانی با بستر طبیعی در ارتباط مستقیم بوده است. در شهرهایی که محور طبیعی در آن نقش بارزی ایفا می‌کند، نقاط کانونی وجود دارد که حاصل برخورد جریان پر قدرت طبیعت و حضور نظم انسانی در ادوار مختلف تاریخی در آن محدود است. این نقاط مرکز ثقل قلمرو ترکیب یافته از طبیعت و شهر را شامل می‌شود و بالاترین ظرفیت را در توسعه کیفی شهر در سازمان فضایی آن دارد. هم‌زمانی و تلاقی لایه‌های مختلف ادراکی، عملکردی، خاطره‌ای و ذهنی، جغرافیایی و بی‌شمار عناصر متکثر محیط و منظر در حوزه نفوذ آنها ضمن ایجاد ظرفیت بالا برای تأثیر گذاری بر محیط زیست انسانی و فضای شهری، عامل توسعه کیفی شهر نیز خواهد بود. شناسایی، ساماندهی و توسعه این نقاط با رویکرد منظر به عنوان دانش بوم‌شناختی و با توجه به هدف توسعه کیفی و پایدار شهر، می‌تواند گامی مؤثر در نیل به اهداف توسعه‌ای شهر باشد. این نوشتار به نقش طبیعت در شهر و اهمیت برهمکنش آن با تاریخ شهر در زیست جهان انسانی می‌پردازد و در انتها با بررسی منطقه تجریش به عنوان نمونه‌ای از هم‌نهستی طبیعت با تاریخ در تهران و لزوم پردازش آن، نسبت به تشریح موضوع اقدام کند.

واژگان کلیدی: طبیعت، منظر شهر، تاریخ، تجریش، تلاقی.



تصویر ۱

Pic 1

تصویر ۱: تجریش قدیم، تفرج در بستر طبیعی - تاریخی. مأخذ: www.iranboom.ir

Pic1: Old Tajrish, Outing in natural-historical place. Source: www.iranboom.ir

تصویر ۲: میدان تجریش امروزی بدون هیچ‌گونه اثری از طبیعت اولیه، تهران. عکس: رسول رفعت، ۱۳۹۰.

Pic2: Tajrish square in nowadays with no trace of nature, Tehran. Photo: Rasoul Rafat, 2011.

تصویر ۳: تلاقی دو رود دره دربند و گلاب‌دره در زیر میدان تجریش، تهران. عکس: رسول رفعت، ۱۳۹۰.

Pic3: Confluence of Darband & Golabdarreh valleys under the Tajrish Square, Tehran. Photo: Rasoul Rafat, 2011.

مقدمه

حضور طبیعت در شهر فرصتی جهت برقراری ارتباط انسان با ذات خود است. از ابتدای تاریخ، رابطه انسان و طبیعت در چهار دوره تغییر کرد؛ دوره اول دوره تبعیت انسان از طبیعت، دوره دوم همسازی انسان با طبیعت، دوره سوم تسلط بر طبیعت و دوره چهارم جستجوی رابطه متعادل با طبیعت و تعامل دوسویه با آن است. میحث مکان و معنا در محیط در دوره چهارم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. در این دوره فضاهای شهری حاصل از ترکیب «رویداد» و «خاطره» با عوامل انسانی، در فضا و طبیعت شهری حاصل می‌شوند. به تعبیر دیگر فضا با طبیعت شهری عجین شده و «نظم انسانی» (انسان و فعالیت‌های او در بستر تاریخ) با «نظم طبیعی» تلفیق می‌شود. در نتیجه در شهرها تقاطعی به وجود می‌آید که در آن لایه‌های متعدد نظم انسانی مانند فعالیت‌ها، تاریخ، سکونت، رویدادهای انسانی و خاطرات با حضور طبیعت به صورت توأمان وجود دارد. اهمیت و غنای ذهنی این نقاط به مثابه تلاقی تاریخ و طبیعت در حدی است که می‌توانند به عنوان مراکز و قطب‌های اصلی شهر انتخاب شوند.

منطقه سر پل تجریش دارای ویژگی‌های منحصر به فردی به لحاظ فعالیت‌های اجتماعی و رویدادهای انسانی است. با دقت در ویژگی‌های این ناحیه به وجود توأمان دو عنصر تاریخ و طبیعت پی می‌بریم. این منطقه از گذشته به عنوان منطقه‌ای تفرجگاهی مورد توجه بوده است. وجود دو عنصر رود دره گلاب‌دره به عنوان مؤلفه طبیعی و امامزاده صالح به عنوان قطب مذهبی، موجب شده تا این منطقه همواره به عنوان قطب تفریحی منطقه مورد استفاده قرار گیرد. وجود لایه‌های مختلف ذهنی و عینی در این نقطه آن را به یکی از مراکز فعالیت‌های پویا در شهر تهران تبدیل کرده است.

فرضیه

کشف، ساماندهی و احیای نقاط تلاقی تاریخ و طبیعت در منطقه سر پل تجریش در تهران و احیای بعد اکولوژیک آن در محیط شهری با نگاه بوم‌شناسانه دانش منظر می‌تواند عامل توسعه کیفی شهر و "مکان" ساختن محیط باشد.

منظر شهر به مثابه تلاقی تاریخ و طبیعت

شهر، محصول یکجانشینی انسان و تکامل مفاهیم بنیادی ذهن او (منصوری، ۱۳۸۹) و ارتباط دوسویه انسان و محیط در طول تاریخ است. همچنین دستاورد تمدن بشر، ذهن انسان و حاصل زندگی گروهی و توسعه روح جمعی انسان‌ها در طول زمان در بستری از نظام طبیعت به شمار می‌رود. در این میان طبیعت به عنوان بستر پذیرای انسان و زندگی او با انتخاب شدن و آمیختن با تاریخ انسانی و نظم بشر معنا پیدا کرده و تشخیص گرفته و با "حضور" انسان گره خورده و "مکان" زیستن شده است. منظر شهر نیز با خوانش لایه‌های متفاوت عینی و ذهنی محیط و شناخت فرایندهای شکل‌دهنده آنها قابلیت کنترل و مدیریت فضای زیست انسان شهری را در نظم طبیعی فراهم می‌کند. در نتیجه منظر شهر از برهمکنش بعد اکولوژی شهر (طبیعت) با تاریخ آن و ادراک آن توسط شهروندان به وجود می‌آید و معنای محیط و پایداری مکان را تضمین می‌کند. منظر شهر، به عبارت دیگر، تلاقی تاریخ و طبیعت است در محیط و در برخی از نقاط شهر به صورتی ویژه بر کیفیت فضاهای شهر تأثیر گذاشته است.

نقاط تلاقی تاریخ و طبیعت در شهر با داشتن لایه‌های ذهنی و عینی متفاوت از جمله حضور پیشین "طبیعت" به عنوان بستر زیرین و پس از آن انسان و فرآیندهای او از جمله "تاریخ سکونت"، "حوادث و رویدادهای اجتماعی" و خاطرات انسانی، مکانی با "معنی" و "حائز اهمیت" را در شهر به وجود می‌آورد. این نقاط با پشتوانه عوامل "معناساز" ذکر شده از

تصویر ۲
Pic 2



تصویر ۳
Pic 3

اهمیت خاصی در شهر برخوردارند و مکان انتخاب شده به عنوان قطب و مراکز اصلی شهر هستند. امروز با غلبه زندگی ماشینی نقش محوری طبیعت در این نقاط به فراموشی سپرده شده و طبیعت در فرایندهای زندگی امروزی مدفون شده است. لذا ایفای نقش اصلی محیط و آشکارگی نقش منظر در این نقاط، ادراک بی‌واسطه جغرافیای زیست را برای انسان فراهم خواهد کرد. در حقیقت ذات طبیعی مکان از حوزه "مفروضات" خارج شده و در قلمروی "محسوسات" قرار می‌گیرد و "ادراک‌پذیر" و "تجربه‌پذیر" می‌شود (براتی، ۱۳۸۸: ۱۱۹). حضور در چنین فضایی می‌تواند طیف گسترده‌ای از انواع سطوح ارتباطی با عوامل و فرآیندهای طبیعی را ممکن سازد. به عبارتی، حواس انسان از طریق حضور در چنین فضایی به صورت بلاواسطه بخش گسترده‌ای از عوامل طبیعی و فرآیندهای ارتباطی میان آنها را درک می‌کند. این فضاها بستر حضور طبیعت در شهر و واحه‌هایی نمادین از محیط طبیعی برای انسان شهرنشین به شمار می‌روند (Faizi, 2008).

سرپل تجریش: نقطه‌کانونی تلاقی تاریخ و طبیعت در تهران
توسعه شهر تهران در دوره معاصر و هم‌زمان با دوره سوم ارتباط انسان با طبیعت بدون توجه به زیرساخت‌های اکولوژیک محیط و بستر طبیعی صورت گرفت. این اتفاق موجب شد بسیاری از زیرساخت‌های طبیعی شهر با نادیده انگاشتن در راستای توسعه به عنوان عامل حیات شهر مدفون شوند. در این میان رودخانه‌های تهران نیز علی‌رغم پتانسیل بالای خود در احیای فضاهای شهر با کانالیزه شدن و توسعه بی‌رویه به فراموشی سپرده شدند. از این رو با گسترش دانش بوم‌شناسی و اهمیت ارتباط انسان و طبیعت و ارزش نهادن به زیرساخت‌های طبیعی شهر، می‌توان نقاطی از شهر را که حضور طبیعت در آن پررنگ‌تر بوده و یا امکان احیای طبیعت در آن وجود دارد، شناسایی و در عرصه تماس بی‌واسطه محیط شهری قرار داد. از جمله می‌توان به منطقه سرپل تجریش در شهر تهران اشاره کرد. در این منطقه تاریخی دو رودخانه گلاب‌دره و دربند از ارتفاعات توحال سرچشمه می‌گیرند و در میدان تجریش کنونی تلاقی پیدا می‌کنند.

در گذشته عبور رودخانه‌های متعدد فصلی و دائمی، اراضی شمیرانات را واحد روحیه تفرجگاهی کرده بود (تصویر ۱). به تدریج با گسترش محدوده تهران در ادامه برداشتن حصار شهر و شکل‌گیری خیابان ولیعصر که ارتباط شمال و جنوب شهر را برقرار می‌ساخت، شمیرانات نیز درون شهر قرار گرفت (تصویر ۲). محله تجریش حلقه اتصال شهر با طبیعت شمال تهران است. میدان تجریش به واسطه وجود پل تجریش، طبیعت خاص این منطقه و نیز مقبره امام‌زاده صالح طی سال‌های متوالی جاذب جمعیت بوده است. پل تجریش که بر روی نقطه تلاقی رودهای دربند و گلاب‌دره قرار داشت با عنوان "سرپل تجریش" در اذهان عمومی جای گرفته است. تلفیق کالبد طبیعی و محیط مصنوع به همراه خود منظر ذهنی و تاریخی داشته که طی سال‌های متوالی حفظ شده است.

این منطقه امروز نیز به رغم تغییر و آشفستگی در وضع ظاهری، همچنان پاسخگوی الگوی رفتاری مردم در استفاده از فضاهای جمعی و تفرجگاهی است.

عوامل متعدد تاریخی، فرهنگی و اجتماعی در کنار، دسترسی مناسب باعث شد میدان تجریش در شهر تهران به عنوان یک نقطه کانونی و مرکز ثقل شمال شهر نقش‌آفرینی کند. وجود عوامل متعدد از نوع سکونت تاریخی، مراکز مذهبی و اندام‌های اقتصادی - اجتماعی (بازار و تکیه تجریش) بر غنای عینی - ذهنی محیط افزوده است. اما

دفعن طبیعت موجود منطقه به دنبال غلبه حضور اتومبیل در شهر، پتانسیل استفاده از حضور پررنگ و پویای طبیعت را در فضای شهری از بین برد و جغرافیای طبیعی محیط را به فراموشی سپرد.

آشکارگی طبیعت، راهکار توسعه فضاهای شهری
امروزه برای بازگرداندن نقش طبیعت در شهر و مراکز بااهمیت شهری باید ساماندهی و احیای محل برخورد نظام طبیعی با نقاط تاریخی شهر براساس نقش محور طبیعت و قرار دادن آن در حوزه ادراکات محسوس شهروندان مورد توجه قرار گیرد. دانش روز منظر و نگاه نو به فهم محیط و کشف ویژگی‌های بومی آن می‌تواند، راهکارهایی در خلق و ساماندهی فضای شهری سرزنده و ایجاد "مکان شهری" ارائه دهد. علاوه بر این توجه به جنبه‌های بوم‌شناسانه مکان و ادراک سیال محیط در بستر زمان از سوی شهروندان نیز بر غنای فهم شهر و ایجاد حس تعلق به مکان در شهروندان تأثیرگذار خواهد بود.

ساماندهی و احیای تلاقی دو رودخانه با تاریخ در نقطه کانونی سرپل تجریش عامل اصلی در پویایی محیط و احیای نقش فعالانه فضای شهری با آشکارگی نظام طبیعی و اکولوژیک خواهد بود. روی کار آوردن نقش رودخانه در فضای شهری، ایجاد فرصت‌هایی برای تجربه فعالانه در فضای باز شهری در ارتباط با عوامل و عناصر طبیعی، استفاده از دانش منظر، ارائه راهکارهایی برای خوانش محیط و کشف جریان‌های نهان طبیعت و ظهور آنها در فضاهای شهری متناسب با ذات مکان، لایه‌های معنایی محیط را افزایش می‌دهد و فضای شهر را «مکان» زیستن می‌کند (تصاویر ۳ و ۴).

نتیجه‌گیری

ادراک فضای شهری توسط انسان از عوامل احساس تعلق به محیط زندگی است. درک ویژگی‌های بومی محیط و کشف بستر و طبیعت زمین در "مکان" ساختن فضاهای شهری بسیار مؤثر خواهد بود. توجه به نظام‌های طبیعی در شهر و کشف نقاط برخورد طبیعت با زندگی روزمره انسان شهری برای ایجاد تماس بی‌واسطه با طبیعت در شهر و استفاده از راهکارهای خلاقانه طراحی منظر به منظور خوانش جریان‌های نهان طبیعت در تناسب با ضروریات و ذات مکان‌های شهری، بستر زندگی با معنی و هویت‌مندی را برای مردم شهر به همراه خواهد داشت. شهر تهران با وجود انرژی‌های بالقوه محیطی و وجود کریدورهای طبیعی شهری که نقاط مهمی از شهر را درگیر می‌کند، پتانسیل ایجاد نقاط و مراکز بااهمیت شهری را دارد. با احیای نقاط تلاقی طبیعت با تاریخ و فعالیت‌های شهری تهران، جریان ارتباط با محیط در قالب نظامی پیوسته و در متن منظر روزمره و عام در شهر میسر می‌شود و مکان‌های شهری چندلایه و معنادار را برای زندگی فراهم خواهد کرد.

پی‌نوشت

«مقاله حاضر برگرفته از رساله کارشناسی ارشد «رسول رفعت» با موضوع «تلاقی تاریخ و طبیعت، طراحی منظر شهری قلمرو بقعه امام‌زاده صالح در محله تجریش» است که به راهنمایی دکتر «سیدامیر منصور» در گروه معماری منظر دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۱ ارائه شد.

فهرست منابع

- براتی، شادی. (۱۳۸۸). *حیات منظر در حیات شهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری منظر، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- منصور، سیدامیر. (۱۳۸۹). *چیستی منظر شهری*. *مجله منظر*، (۹): ۳۳-۳۰.

تلاقی تاریخ و طبیعت در شهر بر عوامل و لایه‌های معناساز محیط و قابلیت تبدیل آن به مکان می‌افزاید که تعدد لایه‌های مختلف ادراکی، عملکردی، تفریحی، خاطره‌ساز و بی‌شمار عناصر دیگر نیز بر غنای محدوده برخورد طبیعت با شهر و فعالیت شهری صحنه می‌گذارد.

تصویر ۴: ویژگی‌های قلمرو میدان تجریش و تلاقی تاریخ و طبیعت در آن. مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۰.

Pic4: Confluence of History and Nature in Tajrish territories, Tehran. Photo: Rasoul Rafat, 2011.

Latent Capacity*

Ecology of Nature and History Confluence in City

Rasoul Rafat, M.A in Landscape Architecture, University of Tehran, Iran. rasoul.rafaat@gmail.com

Abstract: Residential locating and urban life depends on natural context in Iranian cities. In some cities, natural axis plays a significant role. Therefore the focal points in these cities are the result of the confluence of power of nature and human order in different historical periods. These points are the center of territory which is the combination of city and nature. In addition, they have the highest capacity in qualitative development of city in its spatial organization. Confluence of different layers such as perceptual, functional, memorial, mental, geographical and also numerous elements of environment and landscape not only affects human environment and urban space but also can cause the qualitative development of city.

Urban Landscape is the result of interaction between ecology of city (nature), its history and residents' perception. Hence it guarantees the meaning of the environment and sustainability of the place. In other words, urban landscape is confluence of the history and nature and it also affects the quality of urban spaces.

Connection with environment in a continuous order of daily urban landscape would be possible by reviving the confluence of nature, history and urban activities in Tehran. In addition, meaningful and multilayered urban places would be created.

This article debates the role and importance of interaction between nature and history of the city. Finally, it attempts to describe the main issue by analyzing Tajrish Area in Tehran as an example of interaction between nature and history.

Keywords: Nature, Urban Landscape, History, Tajrish, Confluence.

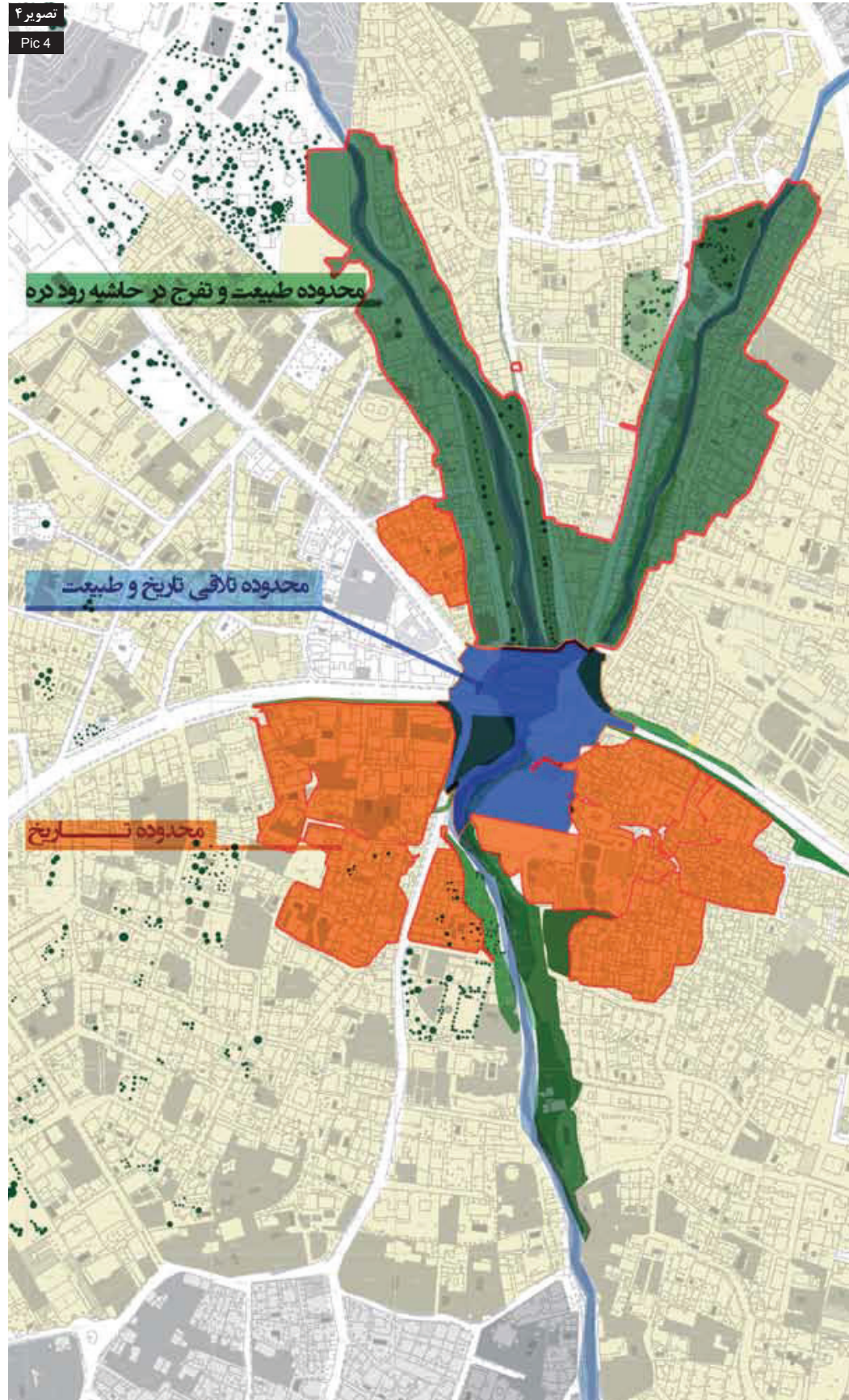
Endnote

*This article has been taken from the M.A dissertation of Rasoul Rafat. It was presented in University of Tehran under the supervision of Dr. Seyed Amir Mansouri.

Reference list

- Barati, Sh. (2009). *Life of Landscape in Urban life*. Unpublished M.A thesis. Tehran: Shahid Beheshti University.
- Faizi, M. (2008). The Role of Urban Parks in a Metropolitan City. *Environmental Sciences*, (12): 29-34.
- Mansouri, S.A. (2010). The Essence of Urban Landscape. *Journal of MANZAR*, 2(9): 30-33.

تصویر ۴
Pic 4





تصویر ۱
Pic 1



تصویر ۳
Pic 3